

اولویت بندی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی

مطالعه موردی ولایت هرات افغانستان

شمس الحق فضل^۱

چکیده

پژوهش حاضر تحت عنوان اولویت بندی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی است تا بتواند بیان نماید که کدام عامل بر فرار مالیاتی اثر گذارتر است. جامعه آماری این تحقیق به صورت عموم چهار گروه ۳۵ نفر از افراد متخصص و اساتید دانشگاه، ۳۵ نفر از مودیان مالیاتی و بازرگانان، ۳۵ نفر از کارمندان اداره مالیات و ۳۵ نفر از مدیران سازمان‌های خصوصی بوده‌اند که نظریات هر گروه به طور جداگانه مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته و نتایج آن به صورت عموم در این تحقیق بیان می‌گردد.

نتایج این تحقیق با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی AHP بدست آمده است که بیانگر تأثیر گذاری عوامل اقتصادی-تکنیکی با ارزش وزنی ۰/۶۱۶، عوامل سیاسی-امنیتی-اداری با ارزش وزنی ۰/۲۳۱ و عوامل حقوقی-اجتماعی-فرهنگی با ارزش وزنی ۰/۱۵۳ می‌باشد. بیشترین تأثیر مربوط به چهار عامل ذیل که عبارتند از بی ثباتی اقتصادی، افزایش بیکاری، تورم و تغییر در درآمد مودیان با ارزش وزنی ۰/۲۰۲ موجودیت شغل‌های کاذب و فعالیت‌های زیر زمینی با ارزش وزنی ۰/۱۰۶، عدم موجودیت سیستم الکترونیکی و ضعف در استفاده از وسایل الکترونیکی با ارزش وزنی ۰/۱۰۶، عدم مصرف درست بودجه جمع آوری شده و تخصیص درست بودجه ۰/۰۷۶ بوده است که هر سه عامل اولی از جمله عوامل اقتصادی-تکنیکی و عامل چهارمی مربوط به عوامل سیاسی-امنیتی-اداری می‌باشد.

لذا ضرورت است تا سیاست گذاران مالیاتی، کارگذاران مالیاتی و اداره کنندگان سازمان‌های مالیاتی به این عوامل توجه نموده و در قسمت رفع نقایص جهت کاهش معضل فرار مالیاتی از طریق الکترونیک سازی سیستم مالیاتی، آموزش استفاده از وسایل تکنالوژیکی و از بین بردن بازارها و مشاغل کاذب و هم چنان مصرف درست مالیات جمع آوری شده اقدامات موثرتری را روی دست گیرند.

واژگان کلیدی

مالیات، فرار مالیاتی، مودیان

^۱ استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه جامی

مقدمه (Introduction)

با توجه به ازدیاد جمعیت و گسترش روز افزون شهر نشینی، لزوم توجه به حدود وظایف و اختیارات دولت‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است به نحوی که وظایف دولت‌ها در حال حاضر نسبت به حدود نیم قرن پیش دستخوش تغییرات و تحولات بسیاری گشته است.

امروز در تمام کشورها برای دولت وظایف اقتصادی خاصی تعریف شده است که دولت برای انجام این وظایف باید مخارج و هزینه‌های بسیار سنگینی را متحمل گردد. حال برای تأمین مالی این مخارج دولت‌ها از راه‌های مختلف به کسب درآمد می‌پردازند. یکی از متداول‌ترین راه‌های تأمین مخارج دولت جمع‌آوری مالیات است. مالیات قابل قبول‌ترین و مناسب‌ترین نوع از نظر اقتصادی است؛ به این معنی که هر چه سهم مالیات‌ها در تأمین مخارج دولت بیشتر باشد، به همان میزان از آثار نامطلوب اقتصادی کاسته می‌شود و به همان اندازه بودجه دولت از سلامت، ثبات و پایداری بیشتری برخوردار می‌گردد.

بیان مسأله و اهمیت تحقیق (Problem Statement and Importance)

در کشورهای در حال توسعه به دلیل وجود ساختار تورمی و کارآنبودن سیستم مالیاتی درآمدهای مالیاتی درصد ناچیزی از تولید ناخالص داخلی این کشورها را تشکیل می‌دهد. داشتن نظام مالیاتی کارآمد و عادلانه آرزوی بسیاری از ملت‌هاست که در عین حال در بسیاری از موارد امکان جمع این دو عنصر دشوار است. حداقل باید تلاش کلی این باشد که نظام مالیاتی زیان‌کارایی و زیان‌ناشی از عدالت کمتری بر جامعه تحمیل نماید. و هم‌چنان باعث ایجاد شگاف طبقاتی نشده و عده محدودی از افراد جامعه بار مالیاتی را بر دوش نکشند چون اکثر مواقع سیستم جمع‌آوری مالیاتی طوری برنامه‌ریزی و دیزاین می‌گردد که ناآگاهانه عدالت مالیاتی مراعات نگردیده و اشخاص مستهلک ضرر و زیان بیشتری نموده و بار مالیات‌ها را بر دوش می‌کشند.

امروزه مالیات به عنوان یک واقعیت انکارناپذیر در جوامع بشری مطرح است. این واقعیت در کشورهای ثروتمند که دارای منابع طبیعی هستند و هم‌چنین در کشورهای که فاقد چنین ثروت‌های هستند نیز وجود دارد. در دنیای امروز نمی‌توان اقتصادی را مورد مطالعه قرارداد که مالیات به عنوان یک عامل مؤثر در آن شناخته نشود.

مالیات نوعی قرارداد اجتماعی است که آن را هم‌زاد حکومت‌ها می‌دانند و حاکمان هیچگاه منبعی مطمئن‌تر از مالیات برای تأمین هزینه‌های خود نیافته‌اند. اقتصاد دانان، حقوق دانان و علمای علم سیاست در ارائه تعریفی واحد از مالیات به دلیل اختلاف نظر در دیدگاه‌های خویش هنوز به اتفاق نظر دست نیافته‌اند. و هر کدام در تعریف مالیات فقط به جنبه‌های مورد نظر خودشان توجه داشته‌اند. اما به صورت خلاصه می‌توان گفت که مالیات عبارت از قسمتی از درآمد و یا ثروت افراد که به منظور پرداخت بخشی از هزینه‌های عمومی و حفظ منافع اجتماعی و اقتصادی و سیاسی کشور به موجب قانون و به طور اجباری و برگشت‌ناپذیر به وسیله دولت وصول می‌شود.

بنا بر این هر گونه تلاش برای پرداخت نکردن مالیات، فرار مالیاتی شمرده می‌شود. و از آنجائیکه فرار مالیاتی فعالیت غیر قانونی است. کسانی که این کار را انجام می‌دهند از پرس وجود مورد فعالیت خود ظفره می‌روند و این همان مشکل اساسی در اندازه‌گیری وسعت فرار مالیاتی است. ساده‌ترین روش محاسبه فرار مالیاتی استفاده از تفاوت بین درآمد و مخارج در سطح ملی است. روش دیگر فرار مالیاتی استفاده از مدارک ممیزی است این روش را می‌توان با استفاده از یک عملگر برآورد به طور مستقیم و غیر مستقیم به کار گرفت. ولی تا جاییکه به شهر و کشورمان مربوط می‌گردد بنا به نبود اطلاعات کافی و در دسترس نبوده اطلاعات و معلومات مربوط به حوزه درآمدی مالیاتی دولت سنجش میزان فرار مالیاتی بسیار زیاد مشکل خواهد بود.

در شهر هرات بر اساس نوع تفکر و باورهای سنتی فرهنگ مالیاتی هنوز به صورت درست پایه ریزی نگردیده و اغلب آنها که درآمد مشمول مالیات دارند آنرا یک تکلیف شرعی و قانونی نمی‌دانند و حتی در میان افرادی که اعتقادات مذهبی سنتی تری دارند فرار از مالیات نسبتاً بیشتری به نظر می‌رسد. و این در حالی است که عوامل مؤثر دیگری که تأثیر پذیر از موضوعات سیاسی، امنیتی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تکنیکی است بر فرار مالیاتی افزوده است و باعث گردیده تا افراد و اشخاص بر اساس منافع زود گذر شخصی دست به فرار مالیاتی بزنند و دولت از این ناحیه نتواند درآمدهای مالیاتی را بنا به نوپا بودن ارگان‌های دولتی و نو بودن سیستم مالیاتی جدید درست ارزیابی، سنجش و جمع‌آوری نماید.

عدم تطبیق اصول و مبانی مثل عدالت، صداقت، شفافیت، شایسته‌سالاری، توزیع عادلانه ثروت در جامعه و عمل نمودن دولت به وظایفش خصوصاً تأمین امنیت، تطبیق یکسان قانون، و چالشها و مشکلاتی همانند موجودیت فساد اداری، رشوه ستانی، فرار زورمندان و قدرت مندان از پرداخت مالیات، هزینه نمودن غیر عادلانه درآمدهای مالیاتی در ساحاتی که برای دولت مالیه پرداخت نمی‌نمایند، متمرکز بودن قدرت در دست گروه‌های خاص و غیره عوامل دست به دست هم داده‌اند تا فرار مالیاتی در جامعه رونق یابد.

لذا نیاز به تحقیق در رابطه به شناسایی علل عدم پرداخت بموقع مالیات و عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی است چون درآمدهای دولت زیر تأثیر فرار مالیاتی بوده و به نحوی رفاه جامعه در گرو پرداخت درست و به موقع مالیات می‌باشد در این تحقیق برآنم تا با بررسی اطلاعات بدست آمده از پرسشنامه‌ها و معلومات درجه دوم به این مطلوب دست یافته و با تحلیل داده عوامل مؤثرتر شناسایی و راه برون رفت از این چالشها و رفع این عوامل را بیان نمایم.

تعریف واژگان کلیدی تحقیق (Key Words)

۱. مالیات: مالیات عبارت از قسمتی از درآمد و یا ثروت افراد که به منظور پرداخت بخشی از هزینه‌های عمومی و حفظ منافع اجتماعی و اقتصادی کشور به موجب قانون و به طور اجباری و برگشت نا پذیر به وسیله دولت وصول می‌شود

۲. فرار مالیاتی: هر گونه تلاش برای پرداخت نکردن مالیات، فرار مالیاتی شمرده می شود.
۳. مودیان: تمام اشخاص حقیقی و حقوقی که پرداخت کننده مالیات در یک جامعه اند.

هدف تحقیق:

اولویت بندی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی

عوامل اصلی:

- (۱) عوامل سیاسی-امنیتی-اداری
- (۲) عوامل حقوقی-اجتماعی-فرهنگی
- (۳) عوامل اقتصادی-تکنیکی

الف: زیرعوامل سیاسی-امنیتی-اداری

۱. وضعیت بد امنیتی
۲. موجودیت بروکراسی و کاغذ پرانی های بیهوده
۳. موجودیت فساد اداری و فساد ماموران مالیاتی
۴. سیستم نامتوازن و نامناسب سنجش و جمع آوری مالیات در سراسر کشور
۵. موجودیت نظام ضعیف، نا کارآمد برای شناسایی مودیان مالیاتی
۶. پائین بودن ظرفیت و کمبود افراد متخصص در امور مالیات در نهادهای مالیاتی
۷. عدم مصرف درست مالیه جمع آوری شده و تخصیص درست بودجه

ب: زیرعوامل حقوقی-اجتماعی-فرهنگی

۱. پیچیدگی و تراکم قوانین مالیاتی و پائین بودن سطح آگاهی از قوانین مالیاتی
۲. ناباوری به مالیات در بین آحاد جامعه و ضعف فرهنگ مالیاتی
۳. ناباوری به مشروعیت دولت و حکومت
۴. بی اعتمادی به کارایی دولت و حکومت
۵. بی اعتمادی به تطبیق یکسان قوانین در کشور و معافیت های متنوع و متعدد مالیاتی در سال های گذشته
۶. الگو برداری و یادگیری از سایر مودیان
۷. پول شویی و درآمدهای خلاف از مواد مخدر، ترور، اختطاف و جنگ

ج: زیرعوامل اقتصادی-تکنیکی

۱. تعدد انواع مالیات
۲. کمبود نقدینگی شرکتها و افراد
۳. عدم موجودیت سیستم ثبت دقیق اطلاعات مالی اشخاص حقیقی و حکمی
۴. متناسب نبودن جریمه‌های مالیاتی و نا کارآمد بودن سیستم تنبیه و تشویق مالیات
۵. موجودیت شغل‌های کاذب و فعالیت‌های زیر زمینی
۶. عدم سیستم الکترونیکی و ضعف در استفاده از وسایل و سیستم‌های تکنالوژی
۷. بی ثباتی اقتصادی، افزایش بیکاری و تورم و تغییر درآمدهای مودیان

اولویت بندی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی



پیشینه تحقیق (Research Background)

فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات دو پدیده‌های هستند که احتمالاً قدمت آن‌ها به خود پدیده مالیات ستانی بر می‌گردد. هر زمان و مکانی که حاکمان تصمیم به وضع مالیات گرفته‌اند، افراد و بنگاهها نیز به دنبال فرار و یا اجتناب از پرداخت آن بوده‌اند. این پدیده در عصر حاضر که به عصر دیجیتال نیز معروف است، رو به گسترش بوده و فرصتهای این واحدها بیشتر شده و در عین حال امکان شناسایی آن‌ها نیز مشکلتر گردیده است. دلایل متفاوت زیادی برای تشریح فرار مالیاتی وجود دارد که به صورت نظری و تجربی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بر این اساس مطالعات مربوط به فرار مالیاتی را می‌توان در سه قسمت

- (۱) عوامل مؤثر (مارلی و مارتینا، ۱۹۸۸؛ دان، ۱۹۹۲؛ یوهانسن و کافمن، ۲۰۰۰؛ فیسمن و وی، ۲۰۰۱؛ لوین و ویدل، ۲۰۰۷، کای و لئو، ۲۰۰۹؛ فآگیمی و همکاران، ۲۰۱۰؛ ناگی، ۲۰۱۱؛ وانگ، ۲۰۱۲؛ خانجان، ۱۳۸۵؛ موسویجهرمی و همکاران، ۱۳۸۸؛ جعفری صمیمی و حمزه‌ای، ۱۳۸۴؛ وزهی و محمدخانلی، ۱۳۸۹)،
- (۲) آثار (عزیزخانی و افشاری، ۱۳۸۶؛ و سید نورانی، ۱۳۸۸)
- (۳) و محاسبه میزان آن (اینگستروم و هولموند، ۲۰۰۶؛ صادقی و شکیبایی، ۱۳۸۸؛ و عبدالله میلانی و اکبرپور روشن، ۱۳۹۱)

دسته بندی کرد.

همچنانکه ملاحظه می‌شود، هرچند مطالعات زیادی درباره عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی انجام شده است، اما درباره آثار فرار مالیاتی و محاسبه میزان آن مطالعات اندکی وجود دارد. صادقی و شکیبایی (۱۳۸۰) از منطق فازی استفاده کرده و میزان فرار مالیاتی را برای دوره ۱۳۴۳ - ۱۳۷۸ در ایران تخمین زده‌اند. همچنین عبدالله میلانی و اکبرپور روشن (۱۳۹۱) از روش تابع تقاضای پول- استفاده کرده و میزان فرار مالیاتی در ایران را برای دوره ۱۳۷۰ - ۱۳۸۹ محاسبه کرده‌اند.

علی حسین صمدی و رضیه تابنده (۱۳۹۲) از روش علل چندگانه - شاخص‌های چند گانه استفاده و میزان فرار مالیاتی در یک بازه زمانی طولانی تدر ایران محاسبه نموده است. از مزایای این روش این است که متغیر پنهانی فرار مالیاتی را براساس عوامل مؤثر و آثار آن تخمین می‌زند، درحالی که در منطق فازی تنها یک سری عوامل ذهنی در نظر گرفته شده و فقط میزان فرار مالیاتی براساس قواعد منطق فازی برآورد می‌شود. همچنین روش تابع تقاضای پول مقدار دقیقی برای برآورد میزان فرار مالیاتی ارائه نخواهد داد.

هم چنین باید یادآور شوم که بنده نسبت به کمبود اطلاعات و کمبود منابع نتوانستم تحقیقی را از افغانستان در زمینه بدست آورم و اگر در طول مدت جمع آوری معلومات و اطلاعات برای ترتیب و تهیه پایان نامه به موردی بر خوردم در متن پایان نام ذکر خواهم کرد.

در این مقاله در ابتدا مروری بر مفهوم فرار مالیاتی خواهم داشت سپس مهمترین دلایل و عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی و میزان تأثیر گذاری هر کدام از عوامل موثر را بر اساس اطلاعات درجه اول و درجه دوم تشریح و سرانجام به تجزیه و تحلیل داده پرسشنامه پرداخته و در اخیر پیشنهادات و راهکارها را بر اساس تئوری های اقتصادی ارائه خواهم نمود.

روش تحقیق (Research Method)

با توجه به هدف تحقیق که همانا بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی مودیان ولایت هرات است این تحقیق با دورویکردی تشریحی توصیفی و میدانی می تواند انجام شود تا از یک طرف بتوان به تعریف عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی بر اساس اطلاعات و معلومات کتابخانه ای و دست دوم پرداخت، و از جانبی با تحقیق میدانی (پرسشنامه) به شناسایی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی و میزان تأثیر گذاری و اهمیت هر کدام توجه نمود. تا بتوان به نتایج متوقعه از این تحقیق بر اساس مطالعات میدانی و کتابخانه ای دست یافت.

روش مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل داده ها

فرایندهای ذهنی معمول برای حل مسائلی که در زندگی روزمره ما را یاری می کنند، ممکن است در موضوعات پیچیده که نظرات و ایده های بسیار متفاوت وجود دارد ما را گمراه کنند. آنچه ما بدان نیازمندیم شیوه پیچیده برای فکر کردن نیست. زیرا حتی تفکر ساده خود بسیار مشکل ساز است و باید چارچوبی وجود داشته باشد که ما را قادر سازد تا در خصوص مسائل پیچیده به شیوه ای ساده بیانیشیم. فرایند تحلیل سلسله مراتبی یا (Analytical Hierarchy Process) چنین چارچوبی را ایجاد می کند. این فرایند به ما کمک می کند تا بتوانیم تصمیمات مناسب برای موضوعات پیچیده را با ساده نمودن و هدایت مراحل تصمیم گیری اتخاذ کنیم. AHP روشی است که در آن یک وضعیت پیچیده، به بخشهای کوچکتر آن تجزیه شده، سپس این اجزا در یک ساختار سلسله مراتبی قرار می گیرد. در این روش به فضاوتهای ذهنی با توجه به اهمیت هر متغیر مقادیر عددی اختصاص داده، متغیرهایی که بیشترین اهمیت را دارند، مشخص می شوند. به عبارت دیگر ترتیب اولویت متغیرها تعیین می شود. به این ترتیب، به کمک AHP می توان مسائل پیچیده ای که دربرگیرنده عوامل متعددی را درک نمود. به طور کلی انسانها دورویکرد اساسی را در تجزیه و تحلیل به کار می برند که شامل رویکرد قیاسی (Deductive Approach)

و رویکرد سیستمی (Inductive Approach) است. به کارگیری هر دو رویکرد سیستمی و قیاسی در درک یک سیستم پیچیده بسیار مؤثر خواهد بود و ترکیب این دو رویکرد از طریق فن AHP امکان پذیر است.

جامعه آماری

هدف از این پژوهش "اولویت بندی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی" به منظور شناسایی و بهبود وضعیت موجود است. از آنجایی که مسئله تصمیم گیری تحقیق حاضر از نوع چند شاخصه بوده و ساختار آن دارای سلسله مراتبی از عناصر تصمیم وابسته به هم شامل هدف، معیارها و زیرمعیارها است؛ لذا از فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) برای محاسبه وزن و اهمیت هر کدام از معیارها و زیرمعیارهای شناسایی شده توسط محقق استفاده گردید. جهت گردآوری داده‌های پژوهش، ماتریس مقایسات زوجی هر یک از مولفه‌ها و گروه‌ها با استفاده از قضاوت و نظر ۳۵ نفر از اساتید دانشگاه، ۳۵ نفر از بازرگانان، ۳۵ نفر از مدیران سازمان‌های خصوصی و ۳۵ نفر از کارمندان مالیاتی تدوین و تکمیل گردیدند.

تجزیه و تحلیل مقایسه‌های زوجی و نتایج پرسشنامه‌ها

در این قسمت به تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مقایسات زوجی انجام شده در پرسشنامه‌ها می‌پردازیم. برای تحلیل داده‌ها و استخراج نتایج حاصل از مقایسات زوجی معیارهای اصلی و فرعی از نرم افزار اکسپرت چویس نسخه ۱۱ (Expert Choice) استفاده شده است. قبل از پرداختن به نتایج تحلیل سلسله مراتبی، طرح سلسله مراتبی متشکل از شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها را بیان می‌کنیم. با تنظیم ماتریس مقایسات، هر کدام از شاخص‌های اصلی و فرعی، به صورت دو به دو (زوجی) در معرض قضاوت ۳۵ نفر از خبرگان این موضوع قرار گرفته است. قابل ذکر است که نرم افزار از نظرات ۳۵ خبره میانگین هندسی گرفته مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

تحلیل سلسله مراتبی (AHP)

فرایند تحلیل سلسله مراتبی (Analytical Hierarchy Process یا AHP) یکی از معروفترین فنون تصمیم‌گیری چند معیاره است که اولین بار توسط توماس آل. ساعتی عراقی الاصل در دهه ۱۹۷۰ ابداع گردید (ایزد بخش و همکاران، ۱۳۸۸). فرایند تحلیل سلسله مراتبی منعکس کننده رفتار طبیعی و تفکر انسانی است. این تکنیک، مسائل پیچیده را بر اساس آثار متقابل آن‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد و آن‌ها را به شکلی ساده تبدیل کرده و به حل آن می‌پردازد (زبر دست، ۱۳۸۰).

فرایند تحلیل سلسله مراتبی در هنگامی که عمل تصمیم‌گیری با چند گزینه و معیار تصمیم‌گیری روبروست می‌تواند استفاده گردد. معیارهای مطرح شده می‌تواند کمی و کیفی باشند. اساس این روش تصمیم‌گیری بر مقایسات زوجی نهفته است. تصمیم‌گیرنده با فراهم ساختن درخت سلسله مراتب تصمیم‌گیری کار تحلیل را شروع می‌کند. در سطح صفر هدف تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد و در سطح اول شاخص‌ها (معیارها) و در سطح دوم نیز زیرشاخص‌ها جهت اولویت‌بندی قرار دارند که ممکن است با توجه به نوع مساله تعداد سطوح معیارهای اصلی و فرعی بیشتر باشد (مؤمنی، ۱۳۸۷).

ساختار سلسله مراتبی شامل چهار سطح می‌باشد که سطح اول را هدف و سطح دوم را معیارهای اصلی، سطح سوم را معیارهای فرعی و سطح چهارم گزینه‌ها تشکیل داده‌اند. که از روش AHP برای تعیین اوزان معیارها و گزینه‌ها استفاده می‌شود.

در روش AHP مقایسه زوجی بین هر کدام از سطوح معیارها انجام می‌گیرد و به کمک نرم افزار Expert choice پرسشنامه‌های مقایسه زوجی تحلیل و نرخ ناسازگاری آن‌ها تعیین می‌شود. چنانچه نرخ ناسازگاری کمتر از ۰/۱ باشد مقایسه‌های زوجی انجام گرفته شده قابل قبول می‌باشد.

مفهوم منطقی ناسازگاری

اگر بگوییم A نسبت به B از C بهتر است در نتیجه A نسبت به C خیلی بهتر است.

A:B بهتر است

B:C بهتر است

A:C خیلی بهتر است

چنانچه نرخ ناسازگاری $IR < 0/1$ آنگاه ارزیابی قابل قبول است. در پایین هر جدول، نرخ ناسازگاری نیز به عنوان اهرمی کنترلی محاسبه و ارائه شده است.

برای محاسبه نرخ ناسازگاری، در گام اول ماتریس مقایسات زوجی شاخص‌ها را در بردار وزن‌های نسبی به دست آمده از آن ضرب می‌کنیم.

$$WSV = D \times W$$

در گام دوم، جواب حاصل (WSV) را بر بردار وزن‌های نسبی شاخص‌ها تقسیم می‌کنیم تا بردار سازگاری (CV) به دست آید.

در گام سوم، میانگین حسابی عناصر این بردار را به دست می‌آوریم که λ_{Max} نامیده می‌شود.

در گام چهارم، شاخص ناسازگاری را به گونه‌ی زیر حساب می‌کنیم:

$$II = \frac{\lambda_{Max} - n}{n - 1}$$

در گام آخر، لازم است نرخ ناسازگاری محاسبه شود. با توجه به n (تعداد شاخص‌ها) و مقدار IRI که با استفاده از جدول زیر محاسبه می‌شود، نرخ ناسازگاری را محاسبه می‌کنیم.

10	9	8	7	6	5	4	3	2	1	N
۱/۵۱	۱/۴۵	۱/۴۱	۱/۳۲	۱/۲۴	۱/۱۲	۰/۹۰	۰/۵۸	0	0	IRI

$$IR = \frac{II}{IRI}$$

تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به پرسشنامه‌های اساتید، بازرگانان، مدیران سازمان‌های خصوصی و کارمندان مالیاتی:

آماره‌های فراوانی سؤالات جمعیت‌شناختی

در این تحقیق اطلاعات دموگرافیک شامل جنسیت، میزان تحصیلات، سن، سابقه فعالیت، وظیفه، نوعیت درآمد و میزان پرداخت مالیات سالانه می‌باشد. در ادامه فراوانی و درصد مربوط به اطلاعات جمعیت‌شناختی در بخش‌های مختلف آمده است.

نام متغیر	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
ثبت نشده	۲	۱/۴	۱/۴	۱/۴
جنسیت مرد	۱۲۰	۸۵/۷	۸۵/۷	۸۷/۱
زن	۱۸	۱۲/۹	۱۲/۹	۱۰۰
ثبت نشده	۷	۵	۵	۵

۱۷/۱	۱۲/۱	۱۲/۱	۱۷	پایین تر از لیسانس	سطح تحصیلات
۶۳/۶	۴۶/۴	۴۶/۴	۶۵	لیسانس	
۹۷/۱	۳۳/۶	۳۳/۶	۴۷	فوق لیسانس	
۱۰۰	۲/۹	۲/۹	۴	دکتری	
۱۷/۹	۱۷/۹	۱۷/۹	۲۵	کمتر از ۲۵ سال	سن
۵۹/۳	۴۱/۴	۴۱/۴	۵۸	بین ۲۵ تا ۳۴ سال	
۹۵	۳۵/۷	۳۵/۷	۵۰	بین ۳۵ تا ۴۴ سال	
۱۰۰	۵	۵	۷	بیشتر از ۴۵ سال	
۲/۹	۲/۹	۲/۹	۴	ثبت نشده	سابقه فعالیت
۲۶/۴	۲۳/۶	۲۳/۶	۳۳	کمتر از ۵ سال	
۶۰/۷	۳۴/۳	۳۴/۳	۴۸	بین ۵ تا ۱۰ سال	
۸۵	۲۴/۳	۲۴/۳	۳۴	بین ۱۰ تا ۱۵ سال	
۱۰۰	۱۵	۱۵	۲۱	بیشتر از ۱۵ سال	
۴/۳	۴/۳	۴/۳	۶	ثبت نشده	وظیفه
۲۸/۶	۲۴/۳	۲۴/۳	۳۴	استاد	
۵۲/۹	۲۴/۳	۲۴/۳	۳۴	کارمند مالیاتی	
۷۷/۱	۲۴/۳	۲۴/۳	۳۴	بازرگان	
۷۷/۹	۰/۷	۰/۷	۱	کارمند دولتی	
۱۰۰	۲۲/۱	۲۲/۱	۳۱	کارمند سازمان‌های خصوصی	
۲/۱	۲/۱	۲/۱	۳	ثبت نشده	نوعیت درآمد
۵۷/۱	۵۵	۵۵	۷۷	ثابت	
۸۰/۷	۲۳/۶	۲۳/۶	۳۳	متغیر	
۹۷/۹	۱۷/۱	۱۷/۱	۲۴	ثابت و متغیر	
۱۰۰	۲/۱	۲/۱	۳	نداشتن درآمد	
۲/۹	۲/۹	۲/۹	۴	ثبت نشده	میزان پرداخت
۴۸/۶	۴۵/۷	۴۵/۷	۶۴	کمتر از ۱۰۰۰۰	مالیات سالانه

۸۶/۴	۳۷/۹	۳۷/۹	۵۳	بین ۱۰۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰
۹۴/۳	۷/۹	۷/۹	۱۱	بین ۱۰۰۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰۰
۱۰۰	۵/۷	۵/۷	۸	بیشتر از ۵۰۰۰۰۰۰
	۱۰۰	۱۰۰	۱۴۰	کل

در بین کل شرکت کنندگان (۱۴۰ نفر)، ۱۲۰ نفر معادل ۸۵/۷ درصد "مرد" و ۱۸ نفر معادل ۱۲/۹ درصد "زن" بوده‌اند. سطح تحصیلات ۱۷ نفر معادل ۱۲/۱ درصد "پایین تر از لیسانس"، ۶۵ نفر معادل ۴۶/۴ درصد "لیسانس"، ۴۷ نفر معادل ۳۳/۶ درصد "فوق لیسانس" و ۴ نفر معادل ۲/۹ درصد "دکتری" بوده است. سن ۲۵ نفر معادل ۱۷/۹ درصد "کمتر از ۲۵ سال"، ۵۸ نفر معادل ۴۱/۴ درصد "بین ۲۵ تا ۳۴ سال"، ۵۰ نفر معادل ۳۵/۷ درصد "بین ۳۵ تا ۴۴ سال" و ۷ نفر معادل ۵/۰ درصد "بیشتر از ۴۵ سال" بوده است. سابقه فعالیت ۳۳ نفر معادل ۲۳/۶ درصد "کمتر از ۵ سال"، ۴۸ نفر معادل ۳۴/۳ درصد "بین ۵ تا ۱۰ سال"، ۳۴ نفر معادل ۲۴/۳ درصد "بین ۱۰ تا ۱۵ سال" و ۲۱ نفر معادل ۱۵/۰ درصد "بیشتر از ۱۵ سال" بوده است. از این تعداد ۳۵ نفر در گروه "اساتید"، ۳۵ نفر در گروه "بازرگانان"، ۳۵ نفر در گروه "مدیران سازمان‌های خصوصی" و ۳۵ نفر در گروه "کارمندان مالیاتی" قرار گرفتند. نوعیت درآمد ۷۷ نفر معادل ۵۵/۰ درصد "ثابت"، ۳۳ نفر معادل ۲۳/۶ درصد "متغیر"، ۲۴ نفر معادل ۱۷/۱ درصد "ثابت و متغیر" و ۳ نفر معادل ۲/۱ درصد "نداشتن درآمد" است. میزان پرداخت مالیات سالانه ۶۴ نفر معادل ۴۵/۷ درصد "کمتر از ۱۰۰۰۰۰"، ۵۳ نفر معادل ۳۷/۹ درصد "بین ۱۰۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰"، ۱۱ نفر معادل ۷/۹ درصد "بین ۱۰۰۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰۰" و ۸ نفر معادل ۵/۷ درصد "بیشتر از ۵۰۰۰۰۰" است.

محاسبه وزن و تعیین ارجحیت شاخص‌های اصلی تحقیق:

با توجه به امتیازدهی به مقایسه بین ۳ شاخص اصلی "عوامل سیاسی - امنیتی - اداری (A)", "عوامل حقوقی - اجتماعی - فرهنگی (B)" و "عوامل اقتصادی - تکنیکی (C)", مربوط به "اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی"، که عددی از ۱ تا ۹ اختیار می‌کند، با توجه به خروجی نرم افزار اکسپرت چویس، ماتریس مقایسات زوجی معیارهای اصلی به شرح زیر به دست آمده است (نرخ ناسازگاری ۰/۰۲):

	A	B	C
A			3.083
B			3.482
C	Incon: 0.02		

اعداد جدول فوق نشان دهنده اولویت شاخص سطر نسبت به شاخص ستون مربوطه است. اعداد به رنگ قرمز وضعیت معکوس، یعنی اولویت ستون نسبت به سطر را نشان می‌دهند. نمودار زیر رتبه‌بندی و ارزش وزنی تعیین شده شاخص‌ها را نشان می‌دهد:



بنابراین، شاخص‌های اصلی به لحاظ ارجحیت (اهمیت) به قرار زیر می‌باشند:

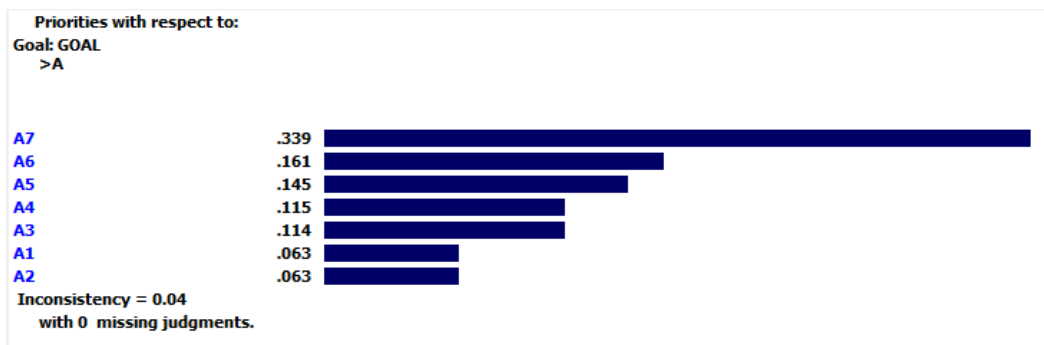
رتبه	ارزش وزنی	نام شاخص	ردیف
۱	۰/۶۱۶	عوامل اقتصادی - تکنیکی (C)	۱
۲	۰/۲۳۱	عوامل سیاسی - امنیتی - اداری (A)	۲
3	۰/۱۵۳	عوامل حقوقی - اجتماعی - فرهنگی (B)	3

محاسبه وزن و تعیین ارجحیت "عوامل سیاسی - امنیتی - اداری":

با توجه به امتیازدهی به مقایسه بین ۷ زیر شاخص وضعیت بد امنیتی (A1)، موجودیت بروکراسی و کاغذ پرانی‌های بیهوده (A2)، موجودیت فساد اداری و فساد ماموران مالیاتی (A3)، سیستم نامتوازن و نامناسب سنجش و جمع آوری مالیات در سراسر کشور (A4)، موجودیت نظام ضعیف، ناکارآمد برای شناسایی مودیان مالیاتی (A5)، پائین بودن ظرفیت و کمبود افراد متخصص در امور مالیات در نهادهای مالیاتی (A6) و عدم مصرف درست مالیه جمع آوری شده و تخصیص درست بودجه (A7)، مربوط به شاخص اصلی "عوامل سیاسی - امنیتی - اداری"، که عددی از ۱ تا ۹ اختیار می‌کند، با توجه به خروجی نرم افزار اکسپرت چویس، ماتریس مقایسات زوجی معیارهای اصلی به شرح زیر به دست آمده است (نرخ ناسازگاری ۰/۰۴):

	A1	A2	A3	A4	A5	A6	A7
A1		1.53	2.151	2.159	2.429	1.746	3.417
A2			3.251	1.888	2.128	2.869	4.159
A3				1.644	1.741	1.481	2.82
A4					1.954	2.158	2.488
A5						1.519	3.339
A6							3.595
A7	Incon: 0.04						

اعداد جدول فوق نشان دهنده اولویت شاخص سطر نسبت به شاخص ستون مربوطه است. اعداد به رنگ قرمز وضعیت معکوس، یعنی اولویت ستون نسبت به سطر را نشان می دهند. نمودار زیر رتبه بندی و ارزش وزنی تعیین شده شاخص ها را نشان می دهد:



بنابراین، ۷ زیر شاخص مربوط به شاخص اصلی "عوامل سیاسی - امنیتی - اداری" به لحاظ ارجحیت (اهمیت) به قرار زیر می باشند:

ردیف	نام شاخص	ارزش وزنی	رتبه
۱	عدم مصرف درست مالیه جمع آوری شده و تخصیص درست بودجه (A7)	۰/۳۳۹	۱
۲	پائین بودن ظرفیت و کمبود افراد متخصص در امور مالیات در نهادهای مالیاتی (A6)	۰/۱۶۱	۲
۳	موجودیت نظام ضعیف، ناکارآمد برای شناسایی مودیان مالیاتی (A5)	۰/۱۴۵	۳
۴	سیستم نامتوازن و نامناسب سنجش و جمع آوری مالیات در سراسر کشور (A4)	۰/۱۱۵	۴
۵	موجودیت فساد اداری و فساد ماموران مالیاتی (A3)	۰/۱۱۴	۵
۶	وضعیت بد امنیتی (A1)	۰/۰۶۳	۶
۷	موجودیت بروکراسی و کاغذ پرانی های بیهوده (A2)	۰/۰۶۳	۷

محاسبه وزن و تعیین ارجحیت "عوامل حقوقی - اجتماعی - فرهنگی":

با توجه به امتیازدهی به مقایسه بین ۷ زیر شاخص پیچیدگی و تراکم قوانین مالیاتی و پائین بودن سطح آگاهی از قوانین مالیاتی (B1)، ناباوری به مالیات در بین آحاد جامعه و ضعف فرهنگ مالیاتی (B2)، ناباوری به مشروعیت دولت و حکومت (B3)، بی اعتمادی به کارایی دولت و حکومت (B4)، بی اعتمادی به تطبیق یکسان قوانین در کشور و معافیت‌های متنوع و متعدد مالیاتی در سال‌های گذشته (B5)، الگوبرداری و یادگیری از سایر مودیان (B6) و پول شویی و درآمدهای خلاف از مواد مخدر، ترور، اختطاف و جنگ (B7)، مربوط به شاخص اصلی "عوامل حقوقی - اجتماعی - فرهنگی"، که عددی از ۱ تا ۹ اختیار می‌کند، با توجه به خروجی نرم افزار اکسپرت چویس، ماتریس مقایسات زوجی معیارهای اصلی به شرح زیر به دست آمده است (نرخ ناسازگاری: ۰/۰۱):

	B1	B2	B3	B4	B5	B6	B7
B1		4.141	1.051	1.747	1.897	1.395	3.364
B2			1.799	1.051	1.233	2.809	1.475
B3				2.003	1.647	2.098	2.545
B4					1.361	1.746	2.381
B5						2.273	2.049
B6							3.757
B7	Incon: 0.01						

اعداد جدول فوق نشان‌دهنده اولویت شاخص سطر نسبت به شاخص ستون مربوطه است. اعداد به رنگ قرمز وضعیت معکوس، یعنی اولویت ستون نسبت به سطر را نشان می‌دهند. نمودار زیر رتبه‌بندی و ارزش وزنی تعیین شده شاخص‌ها را نشان می‌دهد:

Priorities with respect to:
Goal: GOAL
>B



Inconsistency = 0.01
with 0 missing judgments.

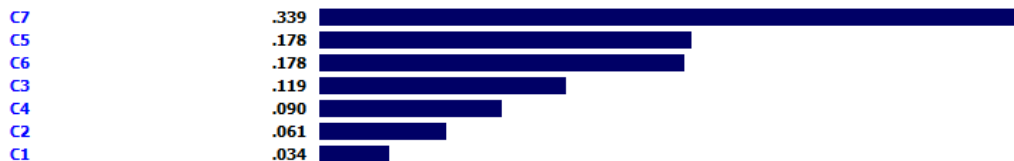
بنابراین، ۷ زیر شاخص مربوط به شاخص اصلی "عوامل حقوقی - اجتماعی - فرهنگی" به لحاظ ارجحیت (اهمیت) به قرار زیر می‌باشند:

اعداد جدول فوق نشان‌دهنده اولویت شاخص سطر نسبت به شاخص ستون مربوطه است. اعداد به رنگ قرمز وضعیت معکوس، یعنی اولویت ستون نسبت به سطر را نشان می‌دهند. نمودار زیر رتبه‌بندی و ارزش وزنی تعیین شده شاخص‌ها را نشان می‌دهد:

Priorities with respect to:

Goal: GOAL

>C

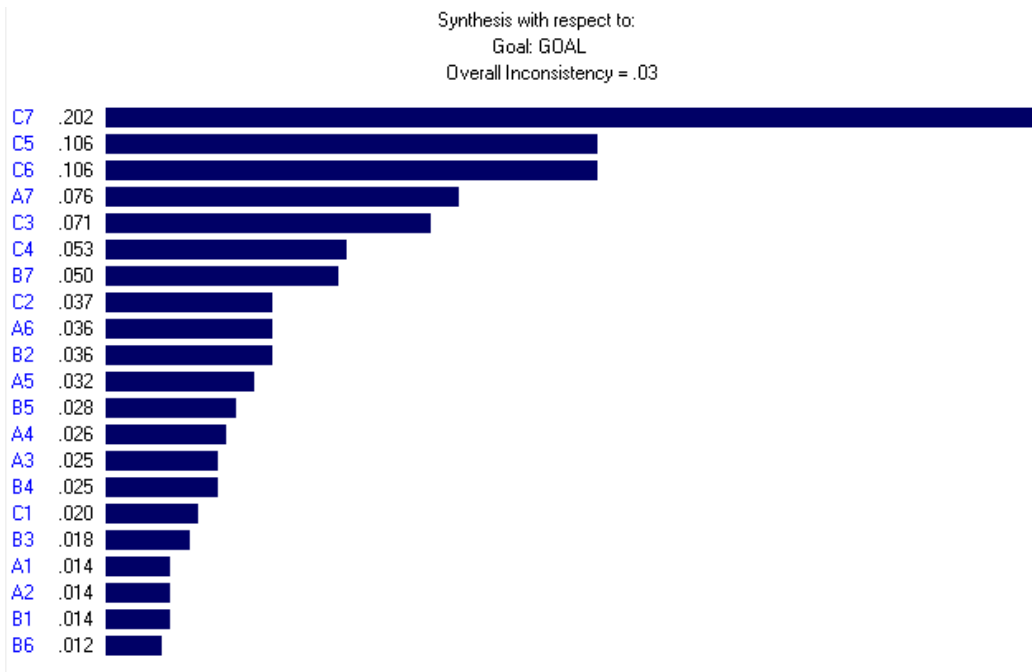


Inconsistency = 0.05
with 0 missing judgments.

بنابراین، ۷ زیر شاخص مربوط به شاخص اصلی "عوامل اقتصادی - تکنیکی" به لحاظ ارجحیت (اهمیت) به قرار زیر می‌باشند:

رتبه	ارزش وزنی	نام شاخص	ردیف
۱	۰/۳۳۹	بی ثباتی اقتصادی، افزایش بیکاری و تورم و تغییر درآمدهای مودیان (C7)	۱
۲	۰/۱۷۸	موجودیت شغل‌های کاذب و فعالیت‌های زیرزمینی (C5)	۲
۳	۰/۱۷۸	عدم سیستم الکترونیکی و ضعف در استفاده از وسایل و سیستم‌های تکنولوژی (C6)	۳
۴	۰/۱۱۹	عدم موجودیت سیستم ثبت دقیق اطلاعات مالی اشخاص حقیقی و حکمی (C3)	۴
۵	۰/۰۹۰	متناسب نبودن جریمه‌های مالیاتی و ناکارآمد بودن سیستم تنبیه و تشویق مالیات (C4)	۵
۶	۰/۰۶۱	کمبود نقدینگی شرکت‌ها و افراد (C2)	۶
۷	۰/۰۳۴	تعدد انواع مالیات (C1)	۷

در نهایت اولویت بندی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی، از نظر خبرگان در تصویر زیر مشاهده می شود (نرخ ناسازگاری: ۰/۰۳):



جدول زیر نتیجه اجرای مرحله نهایی روش AHP است که در آن اولویت بندی نهایی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی با در نظر گرفتن اوزان شاخص ها و تعیین اوزان نهایی مشخص می شود.

اولویت	عنوان شاخص	ضریب شاخص	موضوع شاخص
۱	بی ثباتی اقتصادی، افزایش بیکاری و تورم و تغییر درآمدهای مودیان (C7)	۰/۲۰۲	عوامل اقتصادی - تکنیکی
۲	موجودیت شغل های کاذب و فعالیت های زیرزمینی (C5)	۰/۱۰۶	عوامل اقتصادی - تکنیکی
۳	عدم سیستم الکترونیکی و ضعف در استفاده از وسایل و سیستم های تکنولوژی (C6)	۰/۱۰۶	عوامل اقتصادی - تکنیکی

عوامل سیاسی - امنیتی - اداری	۰/۰۷۶	عدم مصرف درست مالیه جمع آوری شده و تخصیص درست بودجه (A7)	۴
عوامل اقتصادی - تکنیکی	۰/۰۷۱	عدم موجودیت سیستم ثبت دقیق اطلاعات مالی اشخاص حقیقی و حکمی (C3)	۵
عوامل اقتصادی - تکنیکی	۰/۰۵۳	متناسب نبودن جریمه های مالیاتی و ناکارآمد بودن سیستم تنبیه و تشویق مالیات (C4)	۶
عوامل حقوقی - اجتماعی - فرهنگی	۰/۰۵۰	پول شویی و درآمدهای خلاف از مواد مخدر، ترور، اختطاف و جنگ (B7)	۷
عوامل اقتصادی - تکنیکی	۰/۰۳۷	کمبود نقدینگی شرکت ها و افراد (C2)	۸
عوامل سیاسی - امنیتی - اداری	۰/۰۳۶	پائین بودن ظرفیت و کمبود افراد متخصص در امور مالیات در نهادهای مالیاتی (A6)	۹
عوامل حقوقی - اجتماعی - فرهنگی	۰/۰۳۶	ناباوری به مالیات در بین آحاد جامعه و ضعف فرهنگ مالیاتی (B2)	۱۰
عوامل سیاسی - امنیتی - اداری	۰/۰۳۲	موجودیت نظام ضعیف، ناکارآمد برای شناسایی مودیان مالیاتی (A5)	۱۱
عوامل حقوقی - اجتماعی - فرهنگی	۰/۰۲۸	بی اعتمادی به تطبیق یکسان قوانین در کشور و معافیت های متنوع و متعدد مالیاتی در سال های گذشته (B5)	۱۲
عوامل سیاسی - امنیتی - اداری	۰/۰۲۶	سیستم نامتوازن و نامناسب سنجش و جمع آوری مالیات در سراسر کشور (A4)	۱۳
عوامل سیاسی - امنیتی - اداری	۰/۰۲۵	موجودیت فساد اداری و فساد ماموران مالیاتی (A3)	۱۴
عوامل حقوقی - اجتماعی - فرهنگی	۰/۰۲۵	بی اعتمادی به کارایی دولت و حکومت (B4)	۱۵
عوامل اقتصادی - تکنیکی	۰/۰۲۰	تعدد انواع مالیات (C1)	۱۶

عوامل حقوقی - اجتماعی - فرهنگی	۰/۰۱۸	ناباوری به مشروعیت دولت و حکومت (B3)	۱۷
عوامل سیاسی - امنیتی - اداری	۰/۰۱۴	وضعیت بد امنیتی (A1)	۱۸
عوامل سیاسی - امنیتی - اداری	۰/۰۱۴	موجودیت بروکراسی و کاغذ پرانی‌های بیهوده (A2)	۱۹
عوامل حقوقی - اجتماعی - فرهنگی	۰/۰۱۴	پیچیدگی و تراکم قوانین مالیاتی و پائین بودن سطح آگاهی از قوانین مالیاتی (B1)	۲۰
عوامل حقوقی - اجتماعی - فرهنگی	۰/۰۱۲	الگوبرداری و یادگیری از سایر مودیان (B6)	۲۱

منابع استفاده شده در تحلیل آمار

۱. ایزد بخش، حمید رضا و همکاران، (۱۳۸۸)، آموزش کاربردی نرم افزارهای مهندسی صنایع و مدیریت، جلد اول، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد صنعتی امیر کبیر. چاپ دوم
۲. دانایی فرد، حسن، مهدی الوانی و عادل آذر (۱۳۹۰)، روش شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکرد جامع، تهران: نشر صفار-اشراقی
۳. زیر دست، اسفندیار (۱۳۸۰)، کاربرد فرایند تحلیل سلسله مراتبی در برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای، هنرهای زیبا، شماره ۱۰
۴. مؤمنی، منصور (۱۳۸۷)، مباحث نوین تحقیق در عملیات، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، چاپ دوم

فهرست منابع و مأخذ (References)

کتاب‌ها:

۱. ابراهیمی، جهان بخش، ۱۳۸۴، حقوق مالیه عمومی، نشر میزان
۲. امامی، دکتر محمد، ۱۳۸۹، حقوق مالیه عمومی، نشر میزان
۳. تاجدار، دکتر علی، ۱۳۸۷، اقتصاد و مالیه عمومی، نشر میزان
۴. توکلی، دکتر احمد، ۱۳۸۶، مالیه عمومی، انتشارات سمت
۵. تینگار، دکتر سید محمد، ۱۳۹۱، اساسات امور مالی عامه، انتشارات یوسف زاد-کایل

۶. رحمانی، پوهندوی عبداللطیف، ۱۳۹۴، حقوق مالی و بودجه، انتشارات سعید - کابل
۷. رستمی، دکتر ولی، ۱۳۹۰، مالیه عمومی، نشر میزان
۸. رضایی دوانی، مجید، ۱۳۸۹، مقدمه‌ای بر مالیه عمومی در اسلام، انتشارات سمت
۹. عباسیان- محمودی، دکتر عزت الله - دکتر وحید، ۱۳۹۰، مالیه عمومی و خط و مشی مالی دولت‌ها، انتشارات نگاه دانش
۱۰. موسی زاده، دکتر رضا، ۱۳۸۹، مالیه عمومی، نشر میزان
۱۱. نظری، پوهنیار احسان الله، ۱۳۹۰، سیستم مالیاتی جدید افغانستان، انتشارات یوسف زاد- کابل
۱۲. وکیلی فرد - معتمدی، دکتر محمدرضا - بهنام، ۱۳۸۵، حسابداری مالیاتی، انتشارات جنگل - انتشارات علمی

مقالات:

۱. جعفری صمیمی، احمد، و حمزه‌ای، علی اکبر ۱۳۸۴ (. بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی): مطالعه موردی صنف طلا فروشان استان مازندران. پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، جلد اول، شماره ۳۴، صفحات ۲۰ - ۳.
۲. مجتهد، احمد، و احمدیان، اعظم ۱۳۸۷، (اثر درآمدهای مالیاتی دولت بر رفاه اجتماعی ایران). ویژه نامه اقتصادی، سال هفتم، شماره اول، صفحات ۷۱ - ۱۰.
۳. نقی زهی و محمدخانلی، شهرزاد، ۱۳۸۹، (بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی): مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی. پژوهش نامه مالیات، دور جدید، شماره نهم، مسلسل ۵۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
۴. هادیان، ابراهیم و تحویلی، علی، ۱۳۹۲، (شناسایی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در اقتصاد ایران). فصلنامه علمی - تحقیقی برنامه ریزی و بودجه، سال هجدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲ ص ۳۹-۵۸